

مهاجرت استعدادهای درخشان، چهره‌های شاخص علمی و کارشناسان نخبه فنی و آموزشی و هنری را از کشورهای درحال رشد به ممالکت غربی «فرار مغزها» نامیده‌اند. البته این پدیده که سبب نگرانی کشورهای مبدا شده پدیده تازه‌ای نیست و دهه‌هاست که این روند ادامه دارد. پدیده فرار مغزها یا Brain Drain ویژه کشورهای جهان سوم نیست و در مواردی حتی نیروهای مبتکر و کارآمد از کشورهای اروپایی به آمریکا و کانادا مهاجرت کرده‌اند.

با رشد و توسعه سریع و اعجاب‌آور علم ارتباطات و اطلاعات روند فرار مغزها و جابجایی خواسته یا ناخواسته متخصصین و محققین آهنگ فزاینده‌ای گرفته است. همان قدر که درج و مقام چهره‌های درخشان علمی، صنعتی و هنری جهان سوم در کشورهای محل زیست خود نازل است همان میزان در ممالک پیشرفته صنعتی غرب عطش جذب و هضم و پذیرایی از آن‌ها در سطح عالی است. به طوری که جذب و اشتغال نوانگ فنی و علمی و فرهیختگان کشورهای درحال توسعه در مرکز توجه مراکز دانشگاهی و تحقیقی ممالک غرب قرار دارد. ده‌ها نهاد و سازمان بین‌المللی و شناخته شده در ممالک اروپایی و آمریکا و کانادا وجود دارند که به طریقی اشتباهی مهاجرت را در این چهره‌ها تیزتر می‌کنند و دورنمای زندگی علمی و اجتماعی عالی‌تر و مرفه‌تری را به آن‌ها می‌نمایانند. گزارش وزارت امور خارجه آمریکا در سندی که اخیراً منتشر کرده مهاجرت این مغزهای نابغه و متخصصین به آمریکا را با عنوان «تخف‌های داوطلب» از سایر کشورها خوانده است. در گزارش فوق آمده است که ارزش دلاری نیروی کار متخصص و مغزهای متفکری که به آمریکا در فواصل ۷۲-۱۹۷۱ رفته‌اند معادل ۱/۸ بیلیون دلار ارزیابی کرده است. این سرمایه‌های انسانی به رایگان در اختیار مراکز علمی و پژوهشی غرب قرار می‌گیرد.

سازمان ملل نیز در گزارشی که منتشر کرده ارزش رقمی سرمایه‌های انسانی را که از کشورهای درحال رشد به غرب مهاجرت کرده‌اند بیش از ۴۰ بیلیون دلار تخمین زده است، البته این آمار هزینه فرار مغزهای متخصص را در فاصله سال‌های ۱۹۶۱ تا ۷۲ نشان می‌دهد. حال آن‌که روند مهاجرت و آهنگ جابجایی و سیلان نیروهای کارشناس و مجرب به ممالک غربی در سه دهه اخیر سریع‌تر هم شده است. فقط در آمریکا حدود ۵۰۰ دانشمند متخصص در علوم هسته‌ای از کشورهای جهان سوم جذب شده‌اند و تابعیت این کشور را گرفته‌اند. حدود ۵ درصد جامعه متخصصین، مهندسی و کارشناسان آمریکا را در فواصل تاریخ فوق مهاجرین تشکیل می‌دهند.

### فرار مغزها از ایران

در دو دهه اخیر به روایت آمار و به برکت حاکمیت نظام تاریک اندیش جمهوری اسلامی روند فرار مغزها سیر صعودی داشته است. به پژوهش دو تن از استادان دانشگاه مکیل مونترال ۸۱ درصد کسانی که در دهه اول سلطه جمهوری اسلامی از ایران گریخته‌اند، متخصصین و کارشناسان دارای تحصیلات عالی بوده است، دهه‌ای که مصادره اموال، اعدام‌های بی‌رویه، کشتار و دستگیری مخالفان، هتک حرمت به اساتید و آموزشگران دگراندیش و یا وابسته به اقلیت‌های مذهبی از یک سو و انقلاب ضدفرهنگی و فرهنگ ستیز از سوی دیگر ذوق حیات را از جامعه سترد.

نبود امنیت شغلی، فقیر بودن امکانات پژوهشی و ابزار و آلات تکنولوژی آموزشی، بی‌حرمتی و کم‌توجهی به مغزها و استعدادهای درخشان و مهم‌تر از همه نبود جو مناسب و آزادانه اندیشه و پژوهش از جمله دلایلی هستند که سبب مهاجرت این نیروهای کارآمد از کشور شده‌اند. هرچه دانشگاه‌ها و مراکز علمی ایران از این سرمایه‌های بی‌بديل انسانی تهی می‌شود، کشورهای غرب با حقوق‌های مناسب و با امکانات فراوان علمی آغوش خود را برای پذیرش این مغزها می‌گشودند.

نمونه‌های فراوان عینی شاهد این حرف‌اند، اساتیدی که تیغه‌های گزینش آن‌ها را از مراکز علمی داخل قیچی کرد، اینک در مراکز پژوهشی و تخصصی شهرهای مهم غرب مشغول شده‌اند. زمانی که ولایت مطلقه فقیه و ارگان‌های تابعه آن در دانشگاه‌ها و سیستم آموزشی کشور به دنبال تنفیذ اصل متعهد بودن متخصصین به نظام حاکم بودند و از مغزهای علمی و کارشناسان و جوانان متعهد انتظار حضور در جبهه‌های جنگ و جهاد در راه عقیده را داشتند، مرزهای قانونی و غیرقانونی شاهد فرار این مغزهای متفکر و شوکه شده بودند که یا از ترس جان خوش تن به جلای وطن می‌دادند و یا به سبب نبود جو مناسب و سالم پژوهش و کار آکادمیک راهی کشورهای غرب می‌گشتند.

### افزایش روند فرار مغزها از ایران

امروز مهاجرت مغزهای جوان و مستعد از ایران روند پرشتابی پیدا کرده است. جوانان بنا به مصاحبه‌هایی که با آنان شده است به جهت تاریک بودن افق آینده، نبود امکانات مناسب شغلی، آشفته بودن بازار اقتصاد و ناامن بودن و بی‌ثباتی نظام سیاسی کشور و بالاتر از همه نازل بودن امکانات پژوهشی و تحقیق در مراکز علمی ایران کشور را ترک می‌گویند. به گزارش رسانه‌های رسمی ایران حدود ۸۰ درصد از برگزیدگان المپیادهای علمی سال‌های اخیر در دانشگاه‌های خارجی جذب شده‌اند. نظامی که نگرانی‌اش در مراکز دانشگاهی و آموزشی نه افت سطح تحقیق و فرار مغزها، بلکه مخدوش شدن کد لباس زنان، ایجاد محل نیایش در مراکز تحقیق و کنترل اندیشه و آثار خلاقه صاحب نظران باشد چگونه می‌تواند مغزهای متخصص و نوانگ جوان جامعه را حفظ و حراست نماید؟

فرخ البعض پروفیسور زمین شناس عرب که به آمریکا مهاجرت کرده در مصاحبه‌ای می‌گوید: «مغزهایی که از ممالکت اسلامی به غرب می‌آیند خیلی بیشتر مورد توجه و احترام قرار می‌گیرند، دوم این که امکانات آموزشی، تحقیقی و مالی بیشتری در اختیار آنان قرار می‌گیرد، سوم این که اتمسفر پژوهش غنی و پرباری در اختیار دانشمندان قرار می‌گیرد.»

البعض به خبرنگار سعودی می‌گوید: «حالا اشک ریختن در مورد استعدادهای درخشانی که به غرب گریخته اند کار درستی نیست. باید از تاریخ مهاجرت و فرار مغزها درس گرفت و از چهره های ارزشمند علمی و فعال در مسایل آکادمیک حمایت کرد و آن‌ها را که در داخل مانده اند به ادامه کار تشویق نمود. باید طریقی پیدا کرد تا از تخصص‌ها و کارایی‌های نیروهای موجود در داخل سود جسته و جوی فراهم گردد تا دیگران نیز مایل به بازگشت باشند.»

### فرار مغزها، مهاجرت داوطلبانه نیست

از خلال گزارشات و اسناد سازمان ملل و سخنان کارشناسان امور اجتماعی چنین برمی‌آید که سرازیر شدن نیروهای متخصص و پژوهشگران و جوانان با استعداد از جهان سوم به ممالک غرب، از سر ناگزیری است نه مهاجرت دل‌بخواه. نمونه روشن این سخن ایران است که بخش قابل توجهی از این جابجایی انسان‌های متخصص، گریختن از شرایط غیرقابل تحمل و غیردموکراتیک داخل کشور است. زمانی که نیروهای کارآمد که سرمایه‌های فکری کشور و سازندگان زیربنای اقتصادی و آموزشی جامعه ناگزیر تن به مهاجرت می‌دهند آن‌ها در واقع با هدف عدم بازگشت اقدام می‌کند.

### چرا پدیده فرار مغزها از ایران آهنگ سریعی پیدا کرده است؟

همان‌گونه که ذکر شد جدا شدن چهره‌های شاخص علمی از کشور مسافرت داوطلبانه نیست، این قبیل جابجایی‌ها متن جامعه را از سرمایه‌های انسانی تهی می‌سازد و در درازمدت جامعه سترون و فعالیت‌های سازنده و خلاق علمی عقیم می‌شوند. بنابراین فرار مغزها را نباید یک امر طبیعی و داوطلبانه ارزیابی کرد. فرار مغزها از ایران یک عارضه اجتماعی است و نشانگر واقعیت تلخ موجود در بطن جامعه مادر است. این پدیده نشانگر ورشکستگی علمی و اقتصادی و فرهنگی جامعه ایران است. رشد فزاینده خروج تحصیل‌کردگان از ایران تصویرکننده وضعیت روانی جامعه ماست، جامعه‌ای که عطش تحقیق و ذوق پژوهش آزاد و اندیشه ورزی خلاق در آن مرده و کارهای محققان و پژوهشگران و جامعه‌شناسان ارج گذاشته نمی‌شود.

فرار مغزها رابطه مستقیم و تنگاتنگی با سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی رایج در ایران دارد. بنابراین در انظار جامعه جهانی و محافل علمی مسوولیت فرار مغزهای متفکر از بی‌لیاقتی و عجز حاکمیت کنونی ایران است. در مقاله‌ای که به مورخه ۱۵ شهریور ۷۹ به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی در ایران امروز درج شده بود، هرچند که به طور سطحی و گذرا به پیامدهای مخرب فرار مغزها اشاره شده بود، هرگز به ریشه‌یابی علل این ضایعه اجتماعی اشاره نشده است. وضعیت امروزی جامعه ما و مشاهده جدا شدن فوج فوج نیروهای متخصص بازتاب سیاست‌های دو دهه جمهوری اسلامی است.

در نوشته فوق روزنامه جمهوری اسلامی از بررسی ریشه‌های پدیده فرار مغزها خودداری می‌کند. عملکرد هیات‌های پاکسازی مستقر در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی سبب شد که هزاران چهره مجرب و برجسته آموزشی و فنی از مراکز تحصیلی بیرون ریخته شوند، بازداشت شوند و یا ناگزیر تن به جلائی وطن دهند.

از اشکال دیگر فرار مغزها که سردبیر تایمز سیاتل در نوشته ۲۳ ژوئیه ۱۹۹۹ به آن اشاره می‌کند دست شستن آموزشگران، اساتید و معلمان مجرب از کارهای آموزشی و تحقیقی است. با افت سطح آموزش، کمبود امکانات پژوهشی و محرومیت قشر استعدادهای درخشان از مزایای اجتماعی و وجود جاذبه‌های رشد مالی در دیگر بخش‌های اقتصادی سبب می‌شود که گروهی از مغزها از کارهای تخصصی خویش منفک شوند.

پدیده فرار مغزها را باید جدی گرفت. اگر امروز برای بهبود جو آموزش و پژوهش و حاکم کردن اتمسفر آزاد و مناسب برای پژوهشگران و بهبود و تقویت امکانات و سازوکار آموزشی تلاش نشود روند کنونی فرار مغزها با آهنگی بیش از پیش ادامه خواهد یافت.

منابع:

۱. *The Arab brain Drain, Dr. Abdul Ouder Tash, dec. 15, 1996*

۲. *The Seattle Times, 23 July 1999*

۳. مجله ایران امروز